

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

علی ناظر
۰۹ مارچ ۲۰۲۵



علی ناظر

چرا نامه نگاری؟

بالاخره ترمپ قدم پیش گذاشت و به خامنه ای نامه فدایت شوم نوشت و در آن خاطرنشان کرد که دو راه بیشتر نمانده، یا مذاکره یا جنگ. ج.ا. اما حاشا می کند که نامه ای به دستش رسیده، ولی و جهت خالی نبودن عریضه، خامنه ای امروز سران قوم را دور خودش جمع کرد تا بگوید که می بایست در مقابل قلدری مقاومت کرد. به زبانی ساده، این دو شیطان بزرگ و کوچک حالا دارند بر سر «ارسال و دریافت نامه» مذاکره می کنند. ترمپ می گوید فلان مطلب را در نامه نوشته، خامنه ای آن را رد می کند، ترمپ یک چیز دیگر می گوید و دوباره خامنه ای ناز می کند و یک چیز دیگری می خواهد، و این بگیر و بده (مذاکره برای مذاکره) آنقدر ادامه پیدا می کند تا بالاخره روزی بر سر محتوای نامه به توافق می رسند، امروز است که عراقچی می گوید یک نامه ای رسیده اما از محتوای آن باخبر نیست چون مخاطب آن رهبر شیعیان دنیاست.

حالا یک مدتی سر محتوایی که به توافق رسیده اند با هم مذاکره می کنند تا بالاخره رهبر اعلام می کند که هرگونه مذاکره با امریکا به نتیجه نخواهد رسید، اما اگر دولت تصمیم بگیرد که می خواهد مذاکره کند، مانعی بر سر راه آن نخواهد بود (تکرار سناریو برجام)

جناح کمتر هار هم وارد گود شده و بر سر سهم ارباب بی مروت شروع می کند به چانه زدن، و مردم را برای مدتی با این ترفند سر کار می گذارند و به نتیجه آن امیدوار می کنند که دور نخواهد بود روزی که ایران گلستان شود.

در اینطرف آب، اوضاع با آنطرف تفاوت چندانی ندارد.

نمی دانم چرا رهبران سیاسی دائماً در باغ سبز به مردم ستمدیده نشان می دهند و هیچ گاه واقعیات سخت و تلخ را با مردم در میان نمی گذارند. صدای امریکا گزارش کرده که دیداری رخ داده است و وزیر اسرائیلی وعده هائی داده است.

ایشان ظاهراً در ملاقات با شهبانو فرح و اعلیحضرت همایونی رضاشاه دوم فرموده اند «سال دیگر در تهران».

چه جوری و با چه زبانی که به کسی هم بر نخورد می شود گفت «آقا رضاوو پسر خلف محمدرضا! دوران کودتا توسط بیگانه به پایان رسیده» «تغییر این نظام به این سادگیها که خانم وزیر اظهار می کنند نیست» «اگر می بود که مجاهدین سالها پیش کلک این نظام را کنده بودند. اگر آسان بود که جنگ ایران-عراق فاتحه نظام را خوانده بود. اگر به این آسانی ها بود که قتلعام تابستان ۱۳۶۷ می بایست خیزش و مقاومت را خفه می کرد».

باید به این باور برسیم که جمهوری اسلامی با وجود این که از درون پوسیده است، اما نه تنها خصلت آدمکشی و قتلعام در روز روشن را از دست نداده بلکه این خصلت در حال رشد مضاعف است (به آمار اعدام و سرکوب زنان توجه شود).

امیدوارم به وزیر اسرائیلی برنخورد، اما برای سرنگونی چند اهرم لازم است که هیچ کدام در دست خانم وزیر و دولت فاشیستی-مذهبی اسرائیل نیست.

۱. آمادگی ذهنی مردم برای جانفشانی در ابعاد نجومی؛
۲. آماده نبودن کانون های شورشی برای ورود به میدان در رأس خیزش های سراسری؛
۳. به بلوغ نرسیدن فاز «فروپاشی درونی نظام»؛
۴. آمادگی استثمرگران برای عدم مماشات، و قربانی نکردن خلق ستمدیده ایران؛
۵. آماده نبودن ستراتیژی «نظم نوین جهانی» و مشخص نشدن بازیگران اصلی و تعیین مرزهای نئوژئوپلیتیک.
۶. و.....و.....و.....

با توجه به نکات فوق، چند گام اساسی برای ورود به تعیین سرنوشت ج.ا.، لازم الاجراست:

- گام نخست ساماندهی کانون های شورشی، و تبیین ضرورت وجودی این کانونها برای عموم مردم. مردم هنوز به این واقعیت پی نبرده اند.
 - گام دوم آماده سازی افکار عمومی به این واقعیت که ج.ا. با زبان خوش رفتنی نیست.
 - گام سوم بریدن بند ناف نهاد سرنگونی طلب از کشورهای استثمرگر و رسیدن به این اصل که سرنگونی توسط فرزندان خلق، مترادف با فورم و یا کودتا نیست.
- در چنین حالتی است که (شاید) بتوان تاریخ سرنگونی را تعیین کرد و دیگر وعده های فریبکارانه به خلقی ستمدیده نداد. جهت اطلاع رضا و فرح پهلوی این که اگر ملت شریف ایران کودتای ننگین ۲۸ مرداد-اسد- را فراموش کرد، همسوئی شما با اجانب را هم فراموش خواهد کرد. یادتان نرود که سالها پیش بولتون و شرکاء در انتظار عمومی فرمودند «سال دیگر دیدار در تهران». تمام این قبیل وعده و وعیدها در زمانیهست که ترمپ در ادامه خط مماشات، مستقیماً به خامنه ای نامه می نویسد و جهت ماندگاری ج.ا. برنامه ریزی می کند.
- این حضرات «دیپلمات»، هراسشان ز یگانگی ماست...

هراس دارند...

می ترسند خیزش های مردمی جان بگیرد،

سامان بگیرد،

رهبر میدانی خود را بیابد،

دست به اسلحه ببرد،

صحنه گردانان دروغین را از میدان خارج کند...

از ترس است که نامه می فرستند...
یکی ناز می کند آن یکی تهدید... یکی ناز می خرد... آن یکی رنگ می بازد...
همه و همه اینها بازیست...
برای گول زدن خلق ستمدیده،
برای پیشگیری از خیزش همگانی...
وعده های توخالی... امیدهای واهی... تا شاید ج.ا. بتواند یکروز دیگر سرپا بایستد و منافع آنها را تأمین کند...
اینها به دنبال یافتن بهترین راه حل برای ماندگاری ج.ا. دست و پا می زنند...
و اگر سر عقل نیامد...؟
ویرانی ایران... میهن مان... این مام به خون غلتیده... تا رضاخانی دیگر با کودتائی دیگر بر تخت نشیند... وعده
جمهوری بدهد و زمین خواری کند...
اینها می خواهند حدود ۱۲۰ سال مبارزه خستگی ناپذیر فرزندان خلق برای رهایی از شیخ و شاه را با یک نامه و یک
دیدار پوچ کنند...
می خواهند جا بیندازند که مبارزه بیهوده است،
می خواهند برای همه جا بیندازند «وقتی می شود مسائل را از بالا حل کرد چه اصراری به مقاومت است»،
و... سوریه را برای نمونه علم می کنند.
شاید... بتوانند پیروزی خلق ها را به تعویق بیندازند، شاید همچون غزه تمامیت شهروندان را با توپ و راکت و بمب و
قحطی نابود کنند، اما نمی توانند پیام را از دل و ذهن پاک کنند.
مبارزه علیه ج.ا. بی شک فراز و نشیب دارد...
بارها به خاموشی سپرده می شود گوئی که در هیچ زمانی شورش و خیزش نبوده،
و... به ناگاه سر از خاکستر بر می دارد...
فوجی از خلق به ستوه آمده تمام قد می ایستند...
و تمام معادلات و محاسبات اجانب را به هم می ریزد...
نامه نگاری، اپیزمنت قلدر مآبانه، تسلیحات هسته ئی... نمی توانند خیزش همگانی را سرکوب کنند...
آتش شعله برکش...
شعله دم فرومکش...

by علی ناظر | مارچ ۸، ۲۰۲۵ ۸:۰۴ ب.ظ